

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴

چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران مقایسه تطبیقی صندوقهای قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش

دکتر علی حسن‌زاده*، صالح قوبدل*

چکیده

در گذشته عقیده بر این بوده است که مانع اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه نیافته، کمبود سرمایه است و به این دلیل کشورهای توسعه نیافته در دور باطل توسعه گرفتار می‌شوند و هیچ راهی جز انباشت سرمایه و ثروت برای خروج از این دور باطل وجود ندارد. اما نگرش امروز نگرشی کاملاً متفاوت است، به طوری که وجود سرمایه شرط لازم برای توسعه است نه شرط کافی؛ زیرا کشورهای در حال توسعه‌ای که از خود منابع طبیعی و ثروتهای خدادادی و سرمایه اندکی داشتند، ثابت کردند که با همین سرمایه اندک می‌توان به توسعه و پیشرفت رسید. یکی از راهکارهای مناسب برای دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی، به کارگیری نظامهای مالی کارا جهت به جریان انداختن سرمایه‌های راکد و اندک در جامعه است، زیرا این نظامها به واسطه کارکردهای اساسی خود، یعنی

* به ترتیب اعضای هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزه کوه

e-mail: alihasanzadeh2003@yahoo.com

گردآوری پس اندازها از منابع متنوع خصوصی و هدایت آنها به سرمایه گذاری های تولیدی و مولد و نه صرفاً درآمدزا، ضمن روان کردن مبادلات کالاها و خدمات، باعث کاهش ریسک و هزینه های تأمین سرمایه می شوند و در نهایت، به واسطه تراکم سرمایه و نوآوری های فنی، آثار درخور توجهی برای ایجاد فرصت های جدید شغلی و افزایش ظرفیتهای درآمدی می گذارند.

در این مطالعه سعی خواهد شد با مروری گذرا بر عملکرد و تجربه موفق سایر کشورها، بویژه تجربه گرامین بانک بنگلادش و صندوق قرض الحسنه روستایی در ایران، با مقایسه نسبت های نفوذ پذیری، خود کفایی مالی، ارزش سپرده به وامها، ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی و ارزش افزوده به تعداد کارکنان در دو مؤسسه مالی یاد شده راهکار مناسبی برای رفع مشکلات تأمین مالی خرد در روستاهای ایران ارائه شود. بنابراین، هدف این تحقیق شناخت مزایا و معایب هر کدام و ارائه یک الگوی کاربردی و پیشنهادی برای کشورمان است. نتایج تحقیق نشان می دهد که شاخص های نفوذ پذیری، خود کفایی مالی و ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی مربوط به صندوق های قرض الحسنه روستایی ایران به مراتب کمتر از این شاخصها در مورد گرامین بانک بنگلادش است.

کلید واژه ها:

مؤسسات تأمین مالی خرد، نوآوری های فنی، توسعه نیافتگی بازارهای مالی، اقتصاد

دانایی محور

مقدمه

توسعه نیافتگی بازارهای مالی در کشورهای کم درآمد و در حال توسعه استفاده از اعتبارات و خدمات مالی را برای گروه های کم درآمد و فقیر، بویژه برای روستاییان، با ریسک چشمگیری همراه کرده است. در این گونه کشورها، به علت ناکارآمدی بازارهای مالی، نه تنها قشر عظیمی از جامعه توان دسترسی به منابع مالی را ندارند، بلکه سازوکار تجهیز منابع و پس اندازها نیز دارای وضعیت مناسبی نیست (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹). با وجود چنین شرایطی، فرایند انباشت سرمایه به تأخیر می افتد، بهره وری کاهش می یابد، زمینه های ایجاد فرصت های جدید شغلی

چالشهای تأمین ...

محدود می‌شود و هزینه‌های استفاده از منابع مالی به شدت افزایش می‌یابد و در نهایت، به علت ناتوانی نظام مالی در تخصیص پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد، پس‌اندازها محدود می‌گردد و یا به شکل خرید داراییهای واقعی مانند زمین، طلا و کالاهای بادوام درمی‌آید. این عوامل بر رشد و توسعه اقتصادی یک جامعه اثر منفی می‌گذارد. در کشورهای در حال توسعه نهادهای مالی دولتی سهم بالایی در بازار مالی دارند، ولی طبق شواهد، این نهادها غالباً دارای عملکرد بسیار ضعیفی‌اند، در حالی که به شدت مورد حمایت دولت قرار دارند و با استفاده از یارانه‌های فراوان به فعالیتهای غیراقتصادی خود ادامه می‌دهند (World Bank, 1980-1996).

با توجه به ساختار جمعیت فقیر در کشورهای در حال توسعه و تمرکز آنها در بخش روستایی، مؤسسات تأمین مالی خرد (MFI)^۱ می‌توانند نقش بسیار مؤثری در توسعه بازارهای مالی ایفا کنند و ابزاری به منظور افزایش رشد و توسعه اقتصادی باشند (Iftekhar & Sakhawat, 1996). این نهادها با ارائه خدمات مالی در سطوح بسیار کوچک، اعم از اعطای اعتبارات اولیه و یا تجهیز پس‌اندازهای کوچک افراد، موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌شوند. به طور کلی توسعه و گسترش مؤسسات تأمین مالی خرد موجب می‌شود که:

الف) نیازهای سرمایه‌ای کارفرمایان خرد تأمین شود. ب) فرصت مناسب سرمایه‌گذاری برای این سرمایه‌ها فراهم گردد. ج) فرصت پس‌انداز برای افراد پدید آید و د) با ادامه فعالیت درازمدت این مؤسسات، عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد صورت گیرد.

ساماندهی نهادهای مالی و اعتباری در جهت هدفهای توسعه درونزای روستایی یک ضرورت است واکثر کشورها نیز در فرایند توسعه روستایی به این مقوله پرداخته‌اند. این نکته جالب توجه است که ایجاد مؤسسات اعتباری و مالی خصوصی در مناطق روستایی آنچنان که در شهرها رایج است، توجیه اقتصادی و بازدهی مناسب ندارد و لذا کسی اقدام به این کار نمی‌کند، در حالی که در فرایند تحول ساختار اقتصادی مناطق روستایی از اقتصاد معیشتی - مبادلاتی به اقتصاد بازار، عامل سرمایه و نهادهای مالی و اعتباری نقش اساسی دارند. بنابراین، ضرورت ایجاد مؤسسات

1. micro finances

اعتباری غیر دولتی روستایی در کشورهای در حال توسعه کاملاً روشن است، ولی ایجاد این مؤسسات نیازمند حمایت‌های اولیه دولت برای استقرار و شکل‌گیری می‌باشد.

رویکردهای تأمین مالی در مناطق روستایی

به طور کلی می‌توان رویکردهای تأمین مالی روستایی در جهان را به دو دسته زیر تقسیم کرد (ایران‌شاهی، ۱۳۸۰):

۱. رویکرد سنتی تأمین مالی روستایی

رویکرد سنتی معمولاً نشان‌دهنده سطح بالایی از مداخله دولت به شکل تسهیلات اعتباری هدفمند از طریق مؤسسات مالی روستایی دولتی و تحت مدیریت دولت است. این رویکرد معمولاً هدفهای کوتاهمدت برای دستیابی به منافع تولید کشاورزی را به جای هدفهای درازمدت برای گسترش پایداری درآمد روستایی دنبال می‌کند. و دارای ویژگیهای زیر است:

- یارانه‌ها به شکل نرخهای وامدهی ترجیحی بوده و سقف مبلغ وام اعطایی (به منظور جبران عدم بازپرداخت‌های احتمالی) بیشتر شامل حال کشاورزان ثروتمند و متنفذ شده و در نتیجه، این امر به محروم ماندن کشاورزان از دریافت وام و کاهش دسترسی فقرا به اعتبارات انجامیده است.

- راهبردهای مورد نظر در این رویکرد معمولاً هدفهای کوتاهمدت برای دستیابی به منابع تولید کشاورزی را به جای هدفهای درازمدت برای گسترش پایدار درآمد روستایی دنبال می‌کند.

- تسهیلات اعتباری کشاورزی یارانه‌ای در برخی مواقع باعث ناکارآمدی تولید شده و در مواردی نیز در نتیجه تشویق پذیرش فناوری کشاورزی بیش از حد سرمایه بر و نیز اعطای وامهای کم‌بهره، موجبات جابه‌جایی نیروهای کار کشاورزی و افزایش بیکاری روستایی را فراهم کرده است.

۲. رویکرد جدید تأمین مالی روستایی

چالشهای تأمین ...

رویکرد جدید بر هدفهای اولیه توسعه همه‌جانبه، یعنی گسترش درآمد و کاهش فقر، متمرکز است. به عبارت دیگر، اقتصاد دانایی محور^۱ است. رویکرد جدید نشان داده‌است که فراهم کردن تأمین مالی روستایی همیشه بهترین روش هزینه - کارایی دستیابی به این هدفها نیست. واسطه‌گری مالی روستایی کارآمد را می‌توان در کنار اقدامات دولتی دیگر، نظیر افزایش سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های روستایی و توسعه انسانی، به کار گرفت.

عواملی که در رویکرد جدید تأمین مالی روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد عبارت است:

- گسترش درآمد روستانشینان یا کشاورزان^۲
- شناسایی و ارزیابی ناکارآمدی‌های بازارهای مالی روستایی
- کاهش فقر
- ایجاد محیط سیاستی مناسب برای واسطه‌گری‌های روستایی
- ایجاد محیط اقتصاد کلان مطلوب از طریق اجتناب از انحرافهای پی در پی در متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی
- اصلاح سیاستهای متعصبانه در برابر توسعه روستایی و کشاورزی
- توسعه بازارهای مالی کارآمد

نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی

اغلب چنین تصور می‌شود که مانع اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه نیافته، کمبود سرمایه‌است و کشورها برای رهایی از دور باطل توسعه هیچ راهی جز انباشت سرمایه و ثروت ندارند. اما نگرش امروز بر این است که وجود سرمایه شرط لازم برای توسعه است، اما شرط کافی نیست. یکی از راهکارهای مناسب برای رسیدن به توسعه و پیشرفت فنی و اقتصادی به کارگیری نظامهای مالی کارا جهت به جریان انداختن سرمایه‌های راکد در جامعه‌است، زیرا این نظامها با کارکردهای

۱. منظور از اقتصاد دانایی محور این است که برای توسعه بخش کشاورزی باید قبل از توجه به محصولات کشاورزی و کارایی آنها به شرایط اقتصادی کشاورز توجه کرد.

۲. معمولاً در اکثر کشورهای در حال توسعه اکثریت روستانشینان به فعالیتهای کشاورزی اشتغال دارند.

اساسی خود، یعنی گردآوری پس اندازها از منابع متنوع و هدایت آنها به سرمایه گذاری های تولیدی و مولد و نه صرفاً درآمدزا، ضمن روان ساختن مبادلات کالاها و خدمات باعث کاهش ریسک هزینه های تأمین سرمایه از دو مجرای تراکم سرمایه و نوآوری های فنی خواهند شد و در نتیجه، آثار درخور توجهی بر ایجاد فرصت های جدید شغلی و افزایش ظرفیت های درآمدی جامعه خواهند گذاشت. از طرف دیگر، عملکرد گذشته بنگاه های مالی نشان می دهد که مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی مورد توجه بوده اند، زیرا بازارهای مالی روستایی دارای درآمد پایین و به تبع آن، فقر گسترده اند. از این رو امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، که جمعیتی فقیر و روستایی دارند، به مسئله اعتبارات خرد و نهادهای مالی خرد، به عنوان مناسبترین روش کاهش فقر در روستاها، توجه خاصی می شود.

ضرورت ایجاد بانک و مؤسسات مالی خرد روستایی

از آنجا که تشکیلات و سازمان های غیررسمی و محلی سرمایه زیادی برای اعطای وام در اختیار ندارند، پس نمی توانند نسبت به تأمین مالی سرمایه گذاری های پرهزینه اقدام کنند و همیشه پرداخت وام خود را به متقاضیان محلی و به تعداد کمی از وامگیرندگان محدود می کنند. این امر ریسک ناشی از بازپرداخت وام مشتریانی را که به علت به وجود آمدن حوادث دچار مشکل می شوند، می افزاید. با این حال، وام دهندگان غیررسمی برای به حساب آوردن این ریسک مجبورند نرخهای بالایی برای وامهای ضروری در نظر بگیرند و این مسئله باعث می شود وامگیرندگان در دام فقر گرفتار شوند.

در مناطق کشاورزی حوادث ناگهانی همچون سیل یا خشکسالی هم وام دهنده و هم وامگیرنده را متحمل خسارت می کند و گرفتن اعتبار را با سختی مواجه می سازد. بنابراین مردم روستایی و فقرا همیشه به سازمان های اعتباری غیررسمی نیاز خواهند داشت، اما این برای آنها کافی نیست. در نتیجه روستاییان برای رفع نیازهای خود به ترکیبی از دو نظام اعطای وام و پس انداز نیاز دارند.

چالشهای تأمین ...

این گونه مؤسسات جایگزینی برای وثیقه پیدا کرده‌اند که به مردم در پس انداز کردن کمک می‌کند و در نتیجه، مردم تنگدست می‌توانند اعتماد به نفس کافی برای وام گرفتن پیدا کنند و مهمتر از آن هیچ گونه واهمه‌ای برای باز پرداخت آن نداشته باشند. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، شرط وثیقه‌گذاری برای دریافت کنندگان وام یکی از مهمترین موانع اعطای اعتبار به مشتریان تلقی می‌شود و از آنجا که تمرکز ثروت در میان روستاییان کمتر است، این موضوع شدت بیشتری می‌یابد. مؤسساتی نظیر گرامین بانک با یافتن راهکارهایی نظیر اعطای وام به صورت گروهی تا حد زیادی این مانع را بر طرف ساخته‌اند.

شیوه های اجرایی بانکداری فقرا در گرامین بانک

گرامین بانک (GB) شیوه بانکداری سنتی را با از میان بردن نیاز به وثیقه، دگرگون کرده و نظام بانکداری مبتنی بر اعتماد و اطمینان دو طرفه‌ای بنا نهاده که پاسخگویی و مشارکت و خلاقیت ایجاد نموده است. این مؤسسه تسهیلات اعتباری را بدون دریافت وثیقه برای فقیرترین فقرا در روستاهای بنگلادش تأمین کرده است. در گرامین بانک تسهیلات اعتباری سلاحی اقتصادی در برابر فقر و عاملی تسریع‌کننده در توسعه همه‌جانبه شرایط اقتصادی اجتماعی افراد نیازمندی است که از حیثه اختیارات بانکداری دور نگه داشته شده‌اند. گزارشها نشان می‌دهد^۱ این بانک تا سپتامبر ۲۰۰۲ به دو میلیون و چهار صد هزار نفر وام پرداخت کرده است که ۹۵ درصد این تعداد را زنان تشکیل می‌دهند. این مسئله آثار مثبتی در سطح زندگی اقتصادی زنان داشته است.

مروری بر تجربه سایر کشورها

از اواخر دهه ۱۹۸۰ نهادهای مالی خرد به عنوان یکی از راهکارهای مناسب و مؤثر جهت توسعه مالی، در برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه از جایگاهی ویژه‌ای برخوردار شدند و

۱. فرهنگ آشتی، ۵ مهرماه ۱۳۸۲، شماره ۱۶۶.

تعداد این نهادها به شدت افزایش یافت. این برنامه‌ها به دلیل ایجاد تسهیلات و خدمات مالی مناسب برای گروههای فقیر جامعه، امکان توزیع مجدد درآمدها و افزایش خود اشتغالی و به تبع آن افزایش تولید و درآمد و کاهش بیکاری را فراهم کردند (Central Bureau of Statistics, 1996). در زیر به تجربه برخی از کشورها در این باره خواهیم پرداخت:

۱. تجربه بنگلادش به عنوان کشوری پیشرو^۱

بنگلادش را می‌توان خاستگاه تأمین مالی خرد دانست. فراهم کنندگان منابع مالی و مؤسسات تأمین مالی خرد بنگلادش از اینکه در اعطای ترکیبات مالی متنوع به فقرا در دنیا زبانزد همگانند، به خود می‌بالند. موفقیت گرامین بانک و وجود تعداد زیادی سازمان غیردولتی، که بعد از استقلال این کشور در سال ۱۹۷۱ شکل گرفتند، و تأکید سازمانهای غیردولتی بر وابستگی کمتر به منابع اهدایی در این موفقیت سهم مهمی داشته‌اند. برای ارزیابی میزان عملکرد و کیفیت خدمات رسانی مالی مؤسسات تأمین مالی خرد در بنگلادش به نمونه‌هایی از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

- گرامین بانک (GB)

- کمیته توسعه روستایی بنگلادش (BRAC)

- پروژه توسعه روستایی ۱۲ (RDP-12)

- سازمان نوسازی بنگلادش (BURO-Tangail)

- بنیاد شاکتی (Shakti Foundation)

- خدمات روستایی رانچپور دنیاچپور (RDRS)

- طرح توسعه سیستمهای کشاورزی حاشیه‌ای و خرد (MSFSCIP)

در همه برنامه‌ها و خصوصاً برنامه‌های گرامین بانک، مشتریان به گروههایی حداقل ۱۰ نفره سازماندهی می‌شوند که معمولاً اعضای گروهها بر حسب معیارهایی مانند همگن بودن از نظر وضعیت اقتصادی، داشتن سلامت فیزیکی و سرپناه و قرار داشتن در محدوده سنی معین (نه خیلی پیر،

۱. این بخش برگرفته از منابع ۵ و ۹ و ۱۰ است.

چالشهای تأمین ...

نه خیلی جوان) انتخاب می‌شوند. معمولاً تمامی گروهها در همه برنامه‌ها انتخابات رسمی دارند که این عمل منافع همه اعضا را تأمین می‌کند. اعضای این مؤسسات را افراد فقیر و نیازمند تشکیل می‌دهند، به طوری که طبق آمار، تنها ۱۰ درصد اعضا را افراد غیرفقیر (متوسط یا ثروتمند) در برمی‌گیرند.

یکی از خدمات ویژه این مؤسسات پرداخت وامهای اندک به زنان فقیر است که بازپرداخت آن به صورت قسطهای هفتگی در طول بیش از یک سال است.

به طور کلی، مقدار وامهای اهدایی نهادهای خرد مالی بسیار کم است. به عنوان نمونه برخی مؤسسات اعتباری وام بیشتر از ۱۷۵ دلار نمی‌پردازند و بازپرداخت این وام به صورت هفتگی و در توان درآمدی اغلب وامگیرندگان است.

هدف اصلی این مؤسسات بهبود شرایط فقرای روستایی از راه فراهم کردن دسترسی آنها به اعتبارات، پس‌اندازها، تسهیلات و برخی برنامه‌های اجتماعی غیرمالی است. تمرکز اصلی این مؤسسات و خصوصاً گرامین بانک روی پایتترین طبقات اجتماعی است و به دلیل درآمد پایین مشتریان و دسترسی نداشتن به وثیقه سنتی، وامدهی تنها از طریق تشکیل گروههایی با تعهد مشترک، که ملزم به پس‌انداز اجباری‌اند، صورت می‌گیرد. پرداختها متکی بر سازوکار گروهی است تا شعب نسبت به بازپرداخت اعتبار خود اطمینان کنند.

گرامین بانک نرخ بهره نسبتاً بالایی روی حجم پرتفوی وامهایش (۲۰ درصد و بیشتر) اعمال می‌کند تا از این طریق وابستگی به یارانه‌اش کمتر شود. ارزیابی کفایت نرخ بهره وامدهی معمولاً روش مؤثری برای کاهش وابستگی به یارانه برای یک مؤسسه مالی روستایی (خرد) است. چنین افزایشی (وقتی تقاضای وام را کم نکند یا تأثیر معکوسی روی وصول نداشته باشد) معمولاً ناشی از گسترش دامنه فعالیت بهتر است؛ زیرا منابع کمیاب در اختیار گروه وسیعتری از مشتریان خواهد بود.

به هر حال توانایی این بانک برای غلبه بر محدودیتهای مالی از راه تکمیل و اجرای سیاستهای ابداعی و روشهای عملیاتی، درسهای فوق‌العاده گرانبهائی برای طراحی پروژه‌های مالی روستایی آینده در بردارد. اصول راهنما را می‌توان از عملیات گرامین بانک و سایر مؤسسات همانند استنباط

کرد ولی باید در به کارگیری عین عملیات آنها در کشورهای دیگر مواظب بود؛ چرا که راه حل مناسب در یک محیط اقتصادی، اجتماعی ضرورتاً در محیط دیگر مناسب نخواهد بود. همچنین سطوح درآمدی و فعالیتهای درآمدزای مشتریان هدف تا اندازه زیادی مؤثر بودن روشهای عملیاتی

خاص را تعیین می کند. مهمترین ویژگیهای گرامین بانک عبارتند از:

۱. افزایش تجهیز پس اندازها و کاهش اتکا به منابع کمک دهنده

۲. دادن وام با نرخهای بهره حقیقی

۳. ابداع شبکه های توزیع کم هزینه

۴. استقلال مدیریتی در تدوین سیاستهای عملیاتی

۵. نظارت دقیق بر مصرف وام و نرخهای بازپرداخت

۶. ایجاد پس اندازهای روستایی خویش فرما

۷. داشتن هزینه های اداری به نسبت پایین و غیرفزاینده

۸. توسعه بخشیدن به خدمات مالی در مناطق محروم و ...

۲. تجربه مالزی

مالزی یکی از کشورهای جنوب شرق آسیاست که به آن معجزه آسیایی^۱ نیز می گویند. در این کشور تا پیش از اجرای برنامه های فقرزدایی، فقر در مناطق روستایی گسترده تر از مناطق شهری بود، اما در نتیجه اجرای برنامه های جدید اقتصادی در این کشور طی سالهای ۱۹۸۵-۹۵، میزان جمعیت فقیر از ۴۵ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافت. این مهم تا حدی به عملکرد سازمانهای تأمین مالی خرد مربوط بوده است. برخی از سازمانهای غیر دولتی تأمین مالی خرد مالزی عبارتند از:

- AIM^۲: به عنوان طرحی در شمال غربی ایالت سلانگور^۳ جهت آزمون اثربخشی رویکرد گرامین بانک در کاهش فقر مناطق روستایی مالزی آغاز به کار کرد.

- YUM^۱ در سال ۱۹۹۸ به تقلید از روش گرامین بانک در منطقه صباح از طریق برنامه یوساهاماجو^۲ ایجاد گردید.

1. Asian miracle
2. Amanad Inkhtiar Malaysia
3. Selangor

چالشهای تأمین ...

–KKR^۳: یا اتحادیه‌های اعتباری، یکی دیگر از منابع تأمین مالی خرد در این کشور است. یکی از این اتحادیه‌های اعتباری، انجمن تعاونی اعتباری مردم^۴ است، KKR در ابتدا به عنوان باشگاه اجتماعی جوانان آغاز به کار کرد و سپس در سال ۱۹۷۵ به عنوان یک تعاونی اعتباری به ثبت رسید. طرح AIM بزرگترین مؤسسه تأمین مالی خرد با هدف فقرزدایی در مالزی است، به طوری که تقریباً در سال ۱۹۹۵ حدود ۵۰ درصد افراد نیازمند، مشتری AIM بودند. تا پایان دسامبر ۱۹۹۵، AIM بزرگترین پرتفوی داراییها را همراه با وامهای معوقه‌ای به میزان ۹/۳ میلیون دلار در اختیار داشت. مقدار متوسط وام AIM در سال ۱۹۹۵ (۲۳۵ دلار به ازای هر مشتری) بسیار بیشتر از YUM و KKR بود. دو عامل مهم در گسترش اعطای ترکیبات مالی به فقرا توسط AIM عبارت است از:

۱. حمایت‌های چشمگیر و تأمین مالی دولت

۲. استفاده از راهنماییهای کاربردی گرامین بانک بنگلادش.

نظام ارائه اعتبار AIM و YUM از گرامین بانک اخذ شده است. در این نظام مشتریان به گروههای کوچک ۵ نفره تقسیم می‌شوند و هر گروه یک مرکز را تشکیل می‌دهد. این مرکز هفته‌ای یک بار جلسه برگزار می‌کند که در آن وامهای پیشنهادی، نحوه هزینه کردن آنها، نظارت بر وامگیرندگان و مسائل خرد و رفاه عمومی اعضا بررسی می‌شود. اولین وام به دو نفر از اعضای گروه تعلق می‌گیرد و ۲ نفر بعدی وامهای خود را پس از بازپرداخت کامل هفتگی دو وامگیرنده اولی (۸ هفته)، دریافت خواهند کرد. رئیس گروه نیز هشت هفته پس از بازپرداخت کامل وام توسط دو نفر بعدی گروه، وام خود را دریافت می‌کند. وامها بدون هیچ وثیقه، ضامن و بهره و پیگرد قانونی اعطا می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر مؤسسات مالی خرد مالزی خود کفانیستند (Bank Negara Malaysia)، یعنی درآمدهای بهره‌ای و کارمزد وامها، بسیار کمتر از کل هزینه‌های آنهاست. به دلیل عقاید مسلمانان، مؤسسه AIM هیچ بهره‌ای برای وامهایش مطالبه نمی‌کند، اما کارمزدی از پیش تعیین شده، معادل ۱۰ دلار، از وامهای یک دوره‌ای و معادل ۲۰ دلار از وامهای دو دوره‌ای و ... مطالبه می‌کند.

1. Yayasan Usha maju
2. Usaha maju
3. Kooperasi Kredit Rakyat
4. People's Credit Co-Operative Society

مؤسسات AIM و YUM به وجوه اهدایی از سوی اهدا کنندگان و دولت وابستگی زیادی دارند و به همین دلیل است که این مؤسسات به خود کفایی مالی نرسیده‌اند. از آنجا که این دو مؤسسه هیچ بهره‌ای به پس‌اندازهای اعضای خود نمی‌پردازند، نمی‌توانند از این وجوه برای وامدهی استفاده کنند و لذا معمولاً پس‌اندازهای اعضا را در حساب سپرده‌گذاری بانکهای تجاری قرار می‌دهند، هر چند میزان بهره دریافتی از این بانکها به هیچ وجه برای پوشاندن هزینه‌های خدمات مالی آنها کافی نیست.

۳. تجربه هندوستان: تأمین مالی بر مبنای سازماندهی گروههای خودیار^۱

تا دهه ۱۹۹۰، یعنی شروع برنامه‌های اصلاحات مالی، اعتباردهی به فقرا در هندوستان به صورت برنامه دولتی نیازمند یارانه فراوان رایج بوده است. این دیدگاه (دولتی بودن اعتباردهی) در میان بسیاری از سیاستمداران دولتی و بانکداران وجود داشت، ولی مقرراتزادایی نظام مالی توانست چشم‌انداز نظام مالی را به تدریج تغییر دهد. به عنوان نمونه در نتیجه آزادسازی نرخهای بهره، تعداد زیادی از بانکهای تجاری با حمایت مؤسسه ملی نبرد^۲ (بانک ملی توسعه کشاورزی و روستایی) پیوندهایی را با گروههای غیر رسمی خودیاری فقرا (SHGها) به منظور تجهیز سپرده‌های فقرا و اعطای اعتبارات به آنها با نرخهای مناسب بهره ایجاد کردند. اصلاحات مالی، بخشی از مجموعه سیاستهای تعدیل ساختاری بود که توسط دولت هندوستان در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ با هدف شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی کشور و رفع شرایط نامساعد زندگی تعداد بسیاری از مردم (برنامه‌های فقرزدایی) به گونه‌ای آغاز شد که طی سالهای گذشته دولت یارانه‌های اعتباری را به عنوان هسته اصلی فعالیتهای خود در برنامه‌های فقرزدایی به کار گرفته است. یکی از بزرگترین برنامه‌های فقرزدایی در جهان طرح برنامه توسعه یکپارچه روستایی (IRDP)^۳ در هندوستان بوده که بیش از ۴۵ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داده است. دو برنامه حمایتی IRDP به منظور افزایش ظرفیتهای

1. Self-Help Groups
2. NABARD(National Bank for Agricultural and Rural and Development)
3. Integrated Rural Development Program

چالشهای تأمین ...

درآمدی وامگیرندگان عبارت است از: الف) برنامه آموزش جوانان روستایی برای خوداشتغالی (TRYSEM)^۱ و ب) برنامه بهبود وضعیت زنان و کودکان در مناطق روستایی (DWCRA)^۲.

تجربه کشور هندوستان نشان می‌دهد که تشکیل مؤسسات تأمین مالی بر اساس شیوه‌های خودیار، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های عملیاتی، درجه پایداری و خودکفایی مؤسسات مالی خرد دارد. از جمله دلایل این امر جذب بیشتر پس‌اندازها توسط این مؤسسات است. گروههای خودیار به مؤسسات مالی خرد این امکان را می‌دهند که امدادسانی نیز در سطح وسیعتری صورت گیرد.

۴. تجربه نپال

نپال جزو فقیرترین کشورهای دنیاست. شاخص توسعه انسانی آن ۰/۳۳۲ می‌باشد که در میان ۱۷۴ کشور دنیا رتبه ۱۵۱ را دارد. شکست مؤسسات تأمین مالی خرد (دولتی) در این کشور در نفوذ به دهکده‌های پراکنده، فضای بسیار مناسبی را جهت رشد و شکوفایی مؤسسات غیر رسمی ایجاد کرده است. هم‌اکنون گروههای متمرکز پس‌اندازها و اعتبارات محلی^۳ در مناطق روستایی فعالند. به طوری که به نظر می‌رسد امدادسانی این گروهها، که هیچ آماری در مورد آن در دسترس نیست، نسبت به نظام رسمی گسترده‌تر باشد. از جمله مهمترین برنامه‌های فقرزدایی نپال عبارت است از:

- برنامه توسعه و بهبود وضعیت کشاورزان خرد^۴ (SFDP)

- برنامه بانکداری متمرکز (IBP)^۵ با ۸۵ هزار نفر وامگیرنده

- اعتبارات تولیدی برای زنان روستایی (PCRW)^۶

1. Training of Rural Youth for self Employment
2. Development of Women and Children in Rural Areas

۱. گروههایی که ریاست آنها به صورت دوره‌ای از بین اعضا انتخاب نمی‌شوند.

4. Small Farmer Development Program
5. Intensive Banking Program
6. Production Credit for Rural Women

از نظر خودکفایی، اکثر مؤسسات تأمین مالی خرد در این کشور خودکفا نیستند. متوسط نرخ وامدهی این مؤسسات کمتر از ۱۸ درصد است؛ یعنی کمتر از نرخ بهره گرامین بانک. از جمله بزرگترین مشکلات این مؤسسات در نپال به قرار زیر است:

- مقررات بانک مرکزی نپال که تفاوت میان نرخهای بهره سپرده و وام را به ۶ درصد محدود می کند (به جز بانکهای توسعه‌ای با سبک گرامین بانک و سازمانهای غیر دولتی).

- رواج اعتبارات یارانه‌ای، به طوری که بانکهای تجاری مکلفند ۱۲ درصد پرتفوی وام خود را به بخشهای دارای اولویت در کشاورزی و صنعت، خانه‌سازی روستایی و خدمات اختصاص دهند.

۵. تجربه کانادا

داده‌های جمع‌آوری شده از دو مؤسسه کوچک مالی (MFIs) کانادا، یکی در تورنتو و دیگری در هالیفاکس که اطلاعات وسیعی در مورد وامهای شخصی و گروهی درباره وضعیت خانوادگی افراد، وضعیت شخصی، کاری و چگونگی بازپرداخت دارند، نشان می‌دهد طی دوره ۱۹۹۴-۹۹ از ۱۳۸۹ وامگیرنده از این دو مؤسسه، ۹۹۵ مورد به صورت گروهی و ۳۹۴ مورد به صورت انفرادی بوده است. همچنین براساس این اطلاعات، ۲۱/۲ درصد از وامگیرندگان گروهی و ۴۱/۴ درصد از وامگیرندگان فردی بازپرداخت وام خود را به موقع انجام نداده‌اند. وامهای گروهی از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار و وامهای انفرادی از ۱۰۰۰ دلار تا ۱۵۰۰۰ دلار بوده و زمان بازپرداخت وامهای گروهی ۶ تا ۲۴ ماه و وامهای انفرادی حداکثر ۶۰ ماه بوده است (Gomez & Santor, 2003).

در ضمن نرخ سود وامها ۱۲ درصد بوده و وامهای گروهی عمدتاً به سرمایه در گردش و وامهای انفرادی به سرمایه در گردش و سرمایه ثابت یا سرمایه اولیه اختصاص داشته است.

البته تفاوتی بین وامهای گروهی و وامهای فردی وجود دارد از جمله اینکه اکثر وامهای گروهی مربوط به زنان است، درصد مجرد بودن در وامگیرندگان گروهی نسبت به وامگیرندگان انفرادی بیشتر است، اکثر وامگیرندگان گروهی اسپانیایی‌اند در صورتی که وامگیرندگان انفرادی مرد

چالشهای تأمین ...

و متولد کانادا می‌باشند، وامگیرندگان گروهی دارای تحصیلات بالایی نسبت به وامگیرندگان انفرادی‌اند، وامگیرندگان گروهی درآمد و دارایی کمتری نسبت به انفرادیها دارند.

۶. مقایسه عملکرد مؤسسات اعتباری خصوصی در بانکهای روستایی و گروههای خودیار

همان طور که اشاره شد، عملکرد مؤسسات مالی خرد در مالزی و نپال بسیار ضعیفتر از عملکرد این مؤسسات در بنگلادش است. مالزی باید از تجربه سایر کشورها، مانند هندوستان در مورد گروههای خودیار و بنگلادش در زمینه نوآوریهای بازار سرمایه و دسترسی به وجوه وامهای تجاری، استفاده کند. برای مثال در هندوستان یکی از روشهای عملی تجهیز پس‌اندازها، تشویق خانوارهای فقیر به تشکیل گروههای خودیار است. همچنین تجربه این کشور نشان داده است که گروههای خودیار برای مؤسسات تأمین مالی خرد این امکان را فراهم می‌کنند که امداد رسانی و کارایی و ثبات خود را افزایش دهند. آن دسته از مؤسسات تأمین مالی خرد که متکی به گروههای خودیارند، هزینه‌های عملیاتی پایینتری نسبت به سایرین دارند. مزیت دیگر گروههای خودیار تأمین منابع داخلی از طریق تجهیز پس‌اندازهاست. لذا مؤسسات تأمین مالی خرد در هر کشور یک ویژگی خاص دارند. برای مثال رمز موفقیت این مؤسسات در کشور هند تشکیل گروههای خودیار و در بنگلادش پرداخت وامهای اندک با اقساط ناچیز بدون در نظر گرفتن چگونگی مصرف وام است.

جدول ۱ توانمندی تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری مولد را میان بانک روستایی بخش دولتی و وامدهندگان خصوصی نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، بانکهای روستایی در تجهیز پس‌اندازها خوب عمل می‌کنند، ولی وامدهندگان خصوصی این توانایی را ندارند. عکس این موضوع در مورد سرمایه‌گذاری صادق است. به عنوان مثال مستطیل I موقعیتی را نشان می‌دهد که در آن هم تجهیز پس‌اندازها و هم تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط بانک روستایی صورت می‌گیرد. این حالت موجب افزایش پس‌اندازها می‌شود ولی کیفیت ضعیف سرمایه‌گذاری را دنبال دارد.

جدول ۱. مقایسه توانمندی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بانکها و وامدهندگان خصوصی

پس‌انداز	بانک روستایی	وامدهندگان خصوصی
----------	--------------	------------------

		سرمایه گذاری
II - پس انداز ضعیف - کیفیت سرمایه گذاری ضعیف	I - پس انداز بالا - کیفیت سرمایه گذاری ضعیف	بانک روستایی
IV - پس انداز ضعیف - کیفیت سرمایه گذاری بالا	III - پس انداز بالا - کیفیت سرمایه گذاری بالا	وامدهندگان خصوصی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در مستطیل II میزان تجهیز پس اندازها توسط وامدهندگان خصوصی و تصمیمات سرمایه گذاری توسط بانک روستایی در بدترین حالت ممکن قرار دارد، زیرا وامدهندگان خصوصی در تجهیز پس اندازها و بانکها در پرداخت وام کارایی لازم را ندارند. اما مستطیل III بهترین حالت ممکن است، زیرا در این حالت بانکها پس اندازها را تجهیز می کنند و وامدهی به منظور سرمایه گذاری توسط وامدهندگان خصوصی صورت می گیرد. طبق این روش که در اندونزی معمول است، وامدهندگان خصوصی نرخ بهره بالاتری نسبت به نرخ بهره بانک مطالبه می کنند، در حالی که ریسک وصول شدن وامها را خودشان تقبل می نمایند (Moseley & Hulme, 1996).

در مستطیل IV وامدهندگان خصوصی هم پس اندازها را تجهیز می کنند و هم تصمیم به سرمایه گذاری می گیرند. این حالت موجب ایجاد نرخ پایین پس اندازها و کارایی بالای سرمایه گذاری می شود. بخشی از بازار اعتباری روستایی هند در مستطیل I و بخشی دیگر در مستطیل IV قرار می گیرد. حرکت مطلوب و بهینه، حرکت به سمت مستطیل III است؛ همانند بانکهایی که با تعهد مشترک بازپرداخت، کار وامدهی را به گروههای خودیار واگذار می کنند.

شواهد نشان می دهد که با ظهور مؤسسات تأمین مالی خرد هم پس اندازها و هم سرمایه گذاری افزایش می یابد. این مؤسسات با تجهیز پس اندازها و پرداخت آنها به صورت اعتبارات به مردم میزان سرمایه گذاری مناطق روستایی را می افزایند. راه حل مشکل محدودیتهای اعتباری در روستاها، نوآوری در طراحی نهادها و مؤسسات به جای افزایش منابع است؛ زیرا مشکل در نحوه اعتبارات است و نه در حجم پس اندازها.

جدول ۲ یک نوآوری سیاستی است، زیرا گروههای خودیار جایگزین وامدهندگان خصوصی، شده است. در اینجا با پس اندازهای بیشتر و سرمایه گذاری کارا تر، حرکت بهینه به سمت

چالشهای تأمین ...

مستطیل III می‌باشد. به این معنی که پس‌اندازها را بانکها تجهیز می‌کنند، ولی تصمیمات سرمایه‌گذاری را گروههای خودیار می‌گیرند. این حالت، پس‌اندازها و کیفیت سرمایه‌گذاری را می‌افزاید. محدودیت اصلی در فعالیتهای اقتصادی روستایی، محدودیت اعتباری است. این محدودیت موجب ظهور مؤسسات تأمین مالی خرد می‌شود. بانکهای روستایی بخش دولتی، حجم عظیمی از پس‌اندازها را تجهیز می‌کنند، ولی به دلیل نرخهای پایین بهره و درصد بالای عدم بازپرداخت وامها، به همان میزان از توان وام دهی آنها کاسته می‌شود. در حالی که مؤسسات تأمین مالی خرد با تکیه بر گروههای خودیار، مشکل عدم بازپرداختها را حل می‌کنند.

جدول ۲. مقایسه توانمندی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بانکها و گروههای خودیار

گروههای خودیار	بانک روستایی	پس‌انداز سرمایه‌گذاری
II پس‌انداز بالا؛ کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف	I پس‌انداز بالا؛ کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف	بانک روستایی
IV - پس‌انداز بالا - کیفیت سرمایه‌گذاری بالا	III - پس‌انداز بالا - کیفیت سرمایه‌گذاری بالا	گروههای خودیار

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ارزیابی عملکرد اعتبارات خرد در بخش روستایی ایران

ساماندهی نهادهای مالی و اعتباری در جهت هدفهای توسعه درونزای روستایی از ضرورتهای برنامه‌های توسعه در کشور به شمار می‌آید. اما جالب توجه است که ایجاد مؤسسات اعتباری و مالی در مناطق روستایی آنچنان که در شهرها رایج است، توجه اقتصادی و بازده مناسب ندارد و از آن استقبال نمی‌شود.

توسعه و عمران روستاها و کاهش نابرابریهای موجود بین شهر و روستا از هدفهای مهم انقلاب اسلامی بوده است، اما تحول بایسته‌ای در این بخش ایجاد نشده و ساختار اقتصادی روستاها هنوز به صورت معیشتی، یا حداکثر اقتصاد معیشتی - مبادلاتی باقی مانده که دارای فاصله زیادی با اقتصاد بازار و تولید انبوه است. در این باره توجه به عامل سرمایه که جزء جدایی ناپذیر اقتصاد بازار است، اهمیت بسیار زیادی دارد. بازارهای سلف روستاییان، که عمدتاً به دو دلیل یعنی دسترسی به سرمایه مورد نیاز و جاری و همچنین تثبیت درآمد فعلی و فصلی روستاییان تشکیل می‌شود، نمونه‌ای

از این اهمیت و حرکت به سمت ایجاد بازارهای مالی و اعتباری است. در کنار این بازار، بازار غیررسمی نیز (نزول خواران)، که تقریباً در همه روستاهای ایران وجود دارد، اهمیت موضوع سرمایه را آشکار می‌سازد. تعدادی از نهادهای مالی و اعتباری مانند صندوقهای قرض الحسنه و شرکتهای اعتباری کوچک نیز که وارد این عرصه شده‌اند، به دلیل ناهماهنگی با بازار تولید روستایی فاقد کارایی لازمند (اندیلی و رحیمی، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، طرحهای توسعه و عمران با ماهیت اقتصادی (که از طریق مطالعات گوناگون وجود آنها را در تحقق هدفهای توسعه روستایی ضروری تشخیص داده‌اند) به دلیل ضعف بنیه مالی و شکلگیری نامناسب بازار سرمایه، عقیم می‌مانند و فرصت ظهور نمی‌یابند. بررسی ساختار نظام مالی روستایی در کشور نشان می‌دهد که این نظام متشکل از مؤسسات ارائه دهنده خدمات اعتباری خرد در قالب دو بخش رسمی و غیر رسمی است. بررسی عملکرد کلان این نهادها در نظام مالی روستایی حاکی از وجود وضعیتی نامناسب در توزیع اعتبارات منابع مالی از یک طرف و ناکارایی لازم در تجهیز منابع خرد از طرف دیگر است.

براین اساس می‌توان مهمترین تنگناها و محدودیتهای دسترسی روستاییان به اعتبارات مورد نیاز را به صورت زیر خلاصه کرد (طالب، ۱۳۷۲؛ وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۶)

۱. ناکافی بودن حجم اعتبارات و محدودیت بازار عرضه وام و اعتبارات؛ ۲. تشریفات دست و پاگیر و طولانی بودن فرایند اخذ وام بویژه از منابع رسمی و بانکی؛ ۳. زمانبندی نامناسب بازپرداخت وام؛ ۴. ضرورت ارائه وثیقه‌های سنگین برای گرفتن وام از منابع رسمی و غیر رسمی؛ ۵. نامناسب بودن نهادهای وام‌دهنده روستایی و محدودیت دامنه عملکرد آنها؛ ۶. کم‌سودای و بی‌سودای وام‌گیرندگان روستایی و در نتیجه ناآگاهی این افراد از شرایط دریافت و بازپرداخت وام و غیره.

نارساییهای ساختاری بازارهای مالی روستایی ایران

مهمترین نارساییهای بازارهای مالی روستایی ایران را می‌توان در زمینه مدیریتی و چارچوبهای حقوقی و مقرراتی بازارهای مالی روستایی و همچنین فضای سیاستگذاری جستجو کرد.

چالشهای تأمین ...

بعضی از مشکلات واسطه‌گری مالی که ناشی از برخی ویژگیهای روستاییان است، عبارتند از: - پایین بودن تراکم جمعیت، کوچک بودن وامها، محدودیت پس‌اندازهای خانوار که همگی باعث افزایش هزینه معاملات می‌شود.

- بیشتر مشتریان روستایی فاقد وثیقه مورد نیاز بانکهای تجاری هستند.

- ارتباط ضعیف با سایر بازارها باعث به وجود آمدن تعداد زیادی بازارهای انفرادی شده‌است که این امر موانع اطلاعاتی را به وجود می‌آورد و تنوع‌گرایی ریسک را محدود می‌کند. - فصلی بودن چرخه تجاری کشاورزی روستایی و شوکهای درآمدی و قیمتی تولید به ریسکهای واسطه‌گری مالی روستایی اضافه شده‌است.

نارساییهای قانونی و مقرراتی، در بسیاری از موارد، نهادهای بخش رسمی را از رسانیدن اعتبار به کشاورزان و پیشه‌وران روستایی باز می‌دارد.

بسیاری از این مشکلات قانونی و مقرراتی دشواریهای منطقه‌ای اعتبار روستایی را شدت می‌بخشد. یکی از این مشکلات قانونی، عدم دسترسی روستاییان به وثیقه کافی است. بنابراین، بانکهای تجاری بیشتر اوقات از خدمت رسانی به مناطق روستایی خودداری می‌کنند. در نتیجه، تنها خدمات مالی قابل‌دسترس، خدمات مالی بخش غیررسمی است که آن هم دامنه محدودی دارد. بنابراین، بازارهای مالی روستایی به محیط مناسبی برای توسعه نیازمندند. این محیط مناسب مستلزم شرایط مناسب اقتصاد کلان، اصلاح سیاستهای مغایر با توسعه بخش کشاورزی و بخش روستایی و تشکیل بازارهای مالی جامع و کارآمد است.

مؤسسات مالی روستایی به دلیل سیاستهای ناکارآمد، تنها به بخش کوچکی از بازار هدف دست یافته‌اند. ثروتمندان و کسانی که ارتباطات سیاسی دارند، بهره‌برداران اصلی بیشتر برنامه‌های اعتباری‌اند. نرخهای بهره یارانه‌ای، رانت‌جویی را تشویق می‌کند و در نتیجه، مزایای سرمایه‌های ارزان به ندرت به مشتریان فقیر می‌رسد. مدیریت ضعیف نشان‌دهنده ناتوانی بیشتر مؤسسات مالی روستایی در جلوگیری از رفتار رانت‌جویانه‌است. علت اساسی این مشکلات به هم مرتبط است و راه

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

حل جامعی را می‌طلبید تا به گونه‌ای بتوان موضوعات نهادی، بخشی، اقتصاد خرد و اقتصاد کلان را به حساب آورد.

با مطرح شدن مباحث بالا مشخص می‌شود که نهادهای تأمین مالی روستایی در ایران با سایر نهادهای تأمین مالی در جهان تفاوت‌های اساسی دارد. ضمناً خلاً نهادهای تأمین مالی در روستاهای ایران کاملاً نمایان است. اما سؤال اساسی این است که نهادهای موجود در روستاهای ایران چه تفاوت عملکردی با سایر نهادهای مشابه در کشورهای دیگر (مانند گرامین بانک بنگلادش) دارد. برای این منظور در مقاله حاضر عملکرد صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی، به عنوان نماینده نهاد تأمین مالی روستایی و الگوی انطباق‌پذیر با نهادهای تأمین مالی خرد در مناطق روستایی، با گرامین بانک بنگلادش بر اساس سه شاخص نفوذپذیری، خودکفایی مالی و نسبت‌های مالی و اقتصادی مقایسه شده است.

۱. مقایسه شاخص نفوذپذیری

منظور از نفوذپذیری یا گستردگی، نسبت تعداد وام‌های اعطایی به جمعیت موجود در ناحیه (شهری یا روستایی) است. همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، درصد نفوذ اعتبارات خرد در بنگلادش در مقایسه با صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی بسیار بیشتر است و این موضوع حاکی از عمق امداد رسانی گرامین بانک و گستردگی فعالیتهای این نهاد است. در این باره درصد نفوذپذیری گرامین بانک در سال ۱۹۹۵ و صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی ایران در سال ۱۳۷۹ به ترتیب معادل ۴/۹ درصد و ۰/۷۵ درصد بوده است.

جدول ۳. مقایسه صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی ایران و گرامین بانک بنگلادش

براساس شاخص نفوذپذیری

شرح	سال	تعداد وام پرداختی	جمعیت روستایی	ضریب نفوذپذیری اعتبارات (درصد)
صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی ایران*	۱۳۷۸ شمسی	۲۱۹۲۹۳	۲۲۸۸۸۹۷۰	۰/۹۵

چالشهای تأمین ...

۰/۷۵	۲۲۷۹۰۴۴۸	۱۷۰۴۶۹	۱۳۷۹ شمسی	
۴/۹	۷۲۷۷۴۰۰۰	۳۶۰۰۰۰۰	۱۹۹۵	گرامین بانک بنگلادش
—	—	۴۴۸۰۰۰۰	۲۰۰۴	

مآخذ: محاسبات تحقیق و Iftexhar and Sakhawat , 1996
*برآورد مرکز آمار ایران مندرج در سالنامه آماری ۱۳۸۱ کشور

۲. مقایسه شاخص خود کفایی مالی

معیارهای مختلفی برای سنجش میزان خود کفایی مالی مؤسسات اعتباری وجود دارد که از این میان می‌توان به نسبت خود کفایی عملیاتی و نیز نسبت خود کفایی کامل مالی اشاره کرد. اولین نسبت به معنی سهم بهره‌ها و کارمزدهای دریافتی از مشتریان از کل هزینه‌هاست و نسبت دوم سهم بهره‌ها و کارمزدهای دریافتی از مشتریان به هزینه‌های کل تعدیل شده‌است. این نسبتها نشان می‌دهد که مؤسسه مالی مورد نظر تا چه میزان از هزینه‌های خود را می‌تواند از طریق ارائه خدمات خود جبران کند.

با ملاحظه آمار جدول ۴ چنین استنباط می‌شود که متوسط میزان خود کفایی مالی در صندوقهای قرض الحسنه ایران از گرامین بانک بنگلادش بیشتر است و این، امتیاز مثبتی برای این صندوقها خواهد بود. اما در این باره باید توجه داشت که اولاً اکثر وامگیران گرامین بانک افراد فقیر و بسیار فقیرند و در مقایسه این نسبتها باید تفاوت مشتریان را لحاظ کرد. ثانیاً نرخ بهره دریافتی از مشتریان در گرامین بانک در مقایسه با صندوقهای قرض الحسنه بسیار بیشتر است. همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود نرخ بهره واقعی وامهای گرامین بانک بسیار بالا بوده و در طول زمان نیز افزایش یافته، در حالی که کارمزد وامهای صندوقهای قرض الحسنه بسیار ناچیز و نرخ بهره واقعی دریافتی آنها اغلب منفی بوده است.

با توجه به این نکات می‌توان دریافت که سهم کمکهای مردمی و نهادها در تأمین وجوه گرامین بانک بسیار بالا بوده و این بانک توانسته است با استفاده از این کمکها وامهای فراوانی اعطا کند.

جدول ۴. مقایسه صندوقهای قرض الحسنه ایران و گرامین بانک بنگلادش براساس

درصد خود کفایی عملیاتی

گرامین بانک بنگلادش	صندوقهای قرض الحسنه ایران			سال شمسی ۱۳۷۸
	کل	روستایی	شهری	
۶۶/۲	۷۱/۳	۵۹/۱	۷۴/۸	
۶۳/۲	۶۶/۲	۸۵/۲	۶۴/۲	شمسی ۱۳۷۹
۶۵/۰	-	-	-	۲۰۰۳
۶۳/۰	-	-	-	۲۰۰۴

مأخذ: محاسبات تحقیق و
Contribution of Grameen Bank to Gross Domestic Product of
Bangladesh: Preliminary Estimates: by Mohiuddin Alamgir, December 1998.

جدول ۵. متوسط نرخهای بهره واقعی و اسمی و سالانه گرامین بانک

در سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۴

سال	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
نرخ بهره اسمی	۱۶/۰	۱۶/۰	۱۸/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰
نرخ تورم در بنگلادش	۹/۹	۸/۱	۷/۲	۴/۳	۰/۰	۳/۶
نرخ بهره واقعی	۵/۵	۷/۳	۱۰/۱	۱۵/۱	۲۰/۰	۱۵/۹

مأخذ: تأمین مالی روستایی، ترجمه رضا حسینی (۱۳۸۱)

۳. مقایسه دو نهاد براساس نسبتهای مالی و اقتصادی

۳.۱. نسبت ارزش سپردهها به وامها

این نسبت نشان می دهد که مؤسسات مالی معادل چه میزان از وامهای اعطایی در طول سال سپرده جمع آوری کرده اند. با توجه به حجم بالای وامهای اعطایی گرامین بانک و سهم بالاتر کمکهای دولتی و مردمی در تعیین وجوه این مؤسسه نسبت به صندوقهای قرض الحسنه، انتظار بر آن است که میزان این نسبت برای مؤسسات قرض الحسنه از گرامین بانک بالاتر باشد که جدول ۶ نیز همین موضوع را تأیید می کند.

چالشهای تأمین ...

جدول ۶. مقایسه صندوقهای قرض الحسنه و گرامین بانک بنگلادش براساس نسبت ارزش سپرده‌ها به وامها (قبل از کسر وامهای مستهلک شده)

(درصد)

گرامین بانک بنگلادش	صندوقهای قرض الحسنه ایران			سال
	کل	روستایی	شهری	
۴۰	۷۱/۲	۷۶/۸	۷۰/۲	۱۳۷۸(۱۹۹۹)
۴۸	۸۳/۵	۹۵/۷	۸۲/۵	۱۳۷۹(۲۰۰۰)

مأخذ: محاسبات تحقیق و www.grameen.info.org Past Five Years of Grameen Bank,

۲.۳. نسبت ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی

این نسبت نشان می‌دهد که به‌ازای هر واحد پول پرداختی، به عنوان وام، چه میزان ارزش افزوده در مؤسسه مالی ایجاد شده است. طبعاً هرچه این نسبت بالاتر باشد، کارایی و توان مالی مؤسسه مذکور بالاتر خواهد بود. مقایسه آمار مندرج در جدولهای ۷ و ۸ نشان از فاصله میان گرامین بانک در تولید ارزش افزوده و صندوقهای قرض الحسنه دارد.

جدول ۷. نسبت ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی در گرامین بانک در فاصله سالهای

۱۹۹۴-۹۶

سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶
نسبت ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۲۸

مأخذ: Contribution of Grameen Bank to Gress Domestic product of Bangladesh(1998)

جدول ۸. نسبت ارزش افزوده به ارزش وام اعطایی (قبل از کسر وام مستهلک شده)

در صندوقهای قرض الحسنه شهری و روستایی در سالهای ۱۳۷۸-۷۹

سال	شهری	روستایی	کل
۱۳۷۸	٪۲۳	٪۱۹	٪۲۲
۱۳۷۹	٪۲۳	٪۳۸	٪۲۴

مأخذ: محاسبات تحقیق

۳.۳. نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان

این نسبت نشان می‌دهد که به ازای هر واحد نیروی کار به طور متوسط چه میزان ارزش افزوده در مؤسسه مالی مورد نظر ایجاد شده است. در واقع این نسبت تا حد زیادی مبین میزان بهره‌وری کارکنان است. با توجه به تحلیلهای پیشگفته درباره توانایی گرامین بانک در جذب کمکهای نهادها و سازمانهای دولتی و هدایت منبع این بانک به سوی تقویت بنیه مالی فقیرترین افراد اجتماع به گونه‌ای که ساختار مشارکتی کم نظیر در این زمینه شکل گیرد، می‌توان پیش‌بینی کرد که میزان این نسبت در مقایسه با صندوقهای قرض الحسنه بسیار بالاتر باشد (جدول ۹).

جدول ۹. مقایسه گرامین بانک و صندوقهای قرض الحسنه براساس نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان

(میلیون ریال)

کل	روستایی	شهری	سال	صندوقهای قرض الحسنه ایران
۷/۵۲	۳/۵۹	۸/۷۶	۱۳۷۸ شمسی	
۱۰/۰۱	۶/۲۲	۱۰/۹۱	۱۳۷۹ شمسی	
	۱۰/۰۵		۱۹۹۴	گرامین بانک بنگلادش
	۱۷/۷۸		۱۹۹۵	
	۲۴/۷۵		۱۹۹۶	

مآخذ: محاسبات تحقیق و منابع پیشین

با توجه به آمار در دسترس سالهای مختلف برای گرامین بانک و روند رو به رشد آن می‌توان پیش‌بینی کرد که این نسبت برای سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ بسیار بالاتر باشد. این امر حاکی از عمق شکاف بین ساختار مدیریت و فعالیت گرامین بانک، به عنوان یک نهاد پیشرو، با صندوقهای قرض الحسنه است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

روند تغییرات جوامع روستایی کشور در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که تحولات مختلفی در ابعاد متنوع جامعه روستایی به وقوع پیوسته که منجر به تغییر چهره مناطق روستایی و خارج شدن آنها از حالت عقب‌ماندگی و فقر مطلق شده است. اگر ارکان جوامع روستایی را شامل انسان و تولیدات کشاورزی و زیرساخت‌های روستایی بدانیم، به نظر می‌رسد که قسمت اعظم بهبود ایجاد شده صرفاً

چالشهای تأمین ...

در بُعد زیرساخت‌های روستایی بوده و در سایر زمینه‌ها پیشرفت محسوسی رخ نداده است، به گونه‌ای که شاخصهایی نظیر فقر و نرخ مهاجرت از روستا و درآمد سرانه و نظایر آن حکایت از عمق توسعه‌نیافتگی جوامع روستایی دارد. همچنین به نظر می‌رسد، با توجه به نقایص گفته شده در مورد بازارهای مالی روستایی (نظیر درآمد فصلی روستاییان، کمبود سرمایه، نبود شفافیت اطلاعات و...)، ایجاد و گسترش مؤسسات مالی خرد گامی مهم در حرکت به سمت توسعه مناطق روستایی باشد؛ بویژه که تجربه این قبیل مؤسسات در شرق آسیا نیز بر این کارکرد صحنه می‌گذارد. اثرهای مثبت مؤسسات تأمین مالی روستایی، نظیر گرامین بانک بنگلادش و راکیات بانک اندونزی و بانک کشاورزی و تعاونیهای کشاورزی تایلند در کاهش فقر در جوامع روستایی، تسهیل دسترسی فقیرترین اقشار اجتماع به اعتبارات کوچک و نسبتاً ارزان و جلب مشارکت جوامع روستایی درسهای فراوانی برای سایر کشورهاست، هرچند باید این نکته را نیز در نظر داشت که در تحلیل عملکرد این قبیل مؤسسات لازم است شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامع مربوط نیز لحاظ شود.

در این تحقیق صندوقهای قرض الحسنه (با تأکید بر بخش روستایی) به عنوان نهاد خرد در مقایسه با گرامین بانک بنگلادش مورد توجه قرار گرفت. عملکرد صندوقهای قرض الحسنه نشان می‌دهد که عدم تجهیز مناسب سپرده‌ها و ارائه محصولات پس‌اندازی کاملاً غیر متنوع به همراه عواملی نظیر کمبود سرمایه و کمکهای مالی ناچیز و کاملاً موردی نهادهای دولتی و مردمی، هزینه‌های عملیاتی بالا و کارکنان آموزش‌ندیده، ساختاری را پدید آورده است که کارکرد آن اعطای تعداد کمی وام ارزاقیمت بوده است. مقایسه صندوقهای قرض الحسنه و گرامین بانک بنگلادش، به عنوان یک نهاد مالی خرد موفق، نشان داد که صندوقهای قرض الحسنه در مواردی نظیر توانایی جذب کمکهای نهادهای دولتی، نفوذپذیری اعتبارات، روند دستیابی به خودکفایی مالی و نسبت ارزش افزوده به کارکنان و اعتبارات پرداختی، بسیار ضعیفتر از گرامین بانک عمل کرده‌اند.

در مجموع، با عنایت به تجربه موفق کشورها در تأمین مالی روستایی و به منظور ساماندهی نظام مالی روستایی در کشور، می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر جهت بهبود عملکرد نظام مالی و خرد روستایی در کشور ارائه کرد:

- شروع اولیه فعالیتهای مؤسسات تأمین مالی خرد موفق (نظیر گرامین بانک) معمولاً با استفاده از اعتبارات اهدایی (توسط دولتها یا منابع بین‌المللی بوده‌است) ولی این مؤسسات ملزم به کاهش اتکا به این قبیل منابع بوده‌اند، در حالی که در مورد صندوقهای قرض‌الحسنه این کمکها کاملاً موردی و بی‌هدف بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود که علاوه بر مشخص کردن وظایفی برای صندوقهای قرض‌الحسنه (توسط دولت یا ارکان بالادستی) مبنی بر تحت پوشش قرار دادن اقشار خاص (فقرای روستایی، نیازمندان، معلولان، زنان سرپرست خانوار و ..) به این صندوقها کمکهای هدفمند شود، به نحوی که اتکای آنها به این کمکها در طول زمان کاهش یابد.

- با توجه به مشکلات صندوقهای قرض‌الحسنه در جذب سپرده پیشنهاد می‌شود که یا قوانین مربوط به نحوی تغییر کند که این صندوقها امکان جذب سپرده‌ها از طریق پرداخت سود را داشته باشند و یا اینکه از منابع یک بانک روستایی (مانند بانک کشاورزی) تأمین مالی شوند.

- صندوقهای قرض‌الحسنه و بانک کشاورزی می‌توانند با استفاده از طرحهای مشترک با کمیته امداد وضعیت وامدهی خود را از نظر شناسایی اقشار کم درآمد و نظارت بر نوع مصرف وام بهبود بخشند.

- ارائه محصولات پس‌اندازی متنوع (اعم از اجباری و اختیاری) از نظر مدت سپرده پس‌انداز و شرایط آن نقش مهمی در افزایش قدرت جذب سپرده‌ها در صندوقهای قرض‌الحسنه و بانک کشاورزی خواهد داشت.

- ساماندهی مشتریان به نحوی که به گروههای مختلف تقسیم شوند و اعضای این گروهها از نظر شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از شرایط نسبتاً مشابهی برخوردار شوند، مزایای بسیاری نظیر تشکیل گروههای خودیار، کاهش ریسک عدم بازپرداخت وامها، امکان نظارت درون‌گروهی، امکان وامگیری افراد بدون وثیقه، افزایش مشارکت مشتریان در روند اعطای وامها، تمرکز اعطای وام به گروههای خاص و ... دارد. لذا تغییر جهت وامهای خرد اعطایی از سمت نیازهای ضروری (برای افرادی که از فقر شدید رها شده‌اند) به سوی وامهای تولیدی و کسب و کار باید به عنوان یکی از جهتگیریهای اساسی اعطای وامهای خرد مدنظر قرار گیرد.

چالشهای تأمین ...

- شرایط وامهای خرد اعطایی از نظر مدت بازپرداخت و وثیقه مورد نیاز باید کاملاً انعطاف‌پذیر و در عین حال مشخص باشد، به گونه‌ای که مؤسساتی نظیر صندوقهای قرض‌الحسنه یا بانک کشاورزی بتوانند مبلغ معینی وام را با شرایط کاملاً مختلف عرضه کنند تا نیاز همه مشتریان برآورده شود.

- دریافت نرخ سود معقول از وامها یکی از مهمترین عوامل ادامه فعالیت مؤسسات تأمین مالی است. دریافت نرخ بهره پایین (نظیر صندوقهای قرض‌الحسنه) مؤسسات را با مشکلاتی در مورد خودکفایی مالی و سهمیه‌بندی اعتبارات مواجه می‌کند. از طرفی دریافت نرخ بهره بالا نیز با توجه به هدفهای مؤسسات تأمین مالی خرد (مبنی بر امداد رسانی به اقشار فقیر و ارتقای توانایی مالی این گروهها) توجیه‌ناپذیر است.

- استفاده از ابزار نوین مالی برای تأمین منابع سرمایه‌ای (انتشار اوراق مشارکت، سهام و ...)

نقش مهمی در تأمین منابع اعطای اعتبار و تداوم امداد رسانی مؤسسات مالی خرد دارد.

- همان‌طور که در مقایسه صندوقهای قرض‌الحسنه با گرامین بانک بنگلادش اشاره شد، نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان این صندوقها بسیار پایین است. با توجه به سطح سواد نسبتاً پایین نیروی کار این نهاد، به نظر می‌رسد که بازآموزی و ارتقای توانایی تحصیلی کارکنان نقش مهمی در کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری داشته باشد.

- صندوقهای قرض‌الحسنه، برخلاف ماهیتشان، عموماً به صورت غیرمشارکتی اداره می‌شوند. لذا پیشنهاد می‌شود که بحث استقلال مدیریت در تدوین و اجرای سیاستها و اعطای وام و ... در این نهادها جدی گرفته شود تا از این رهگذر کارایی آنها افزایش یابد.

- کاهش هزینه سربار شعبه‌ها (بویژه در صندوقهای قرض‌الحسنه) نقش مهمی در تداوم امداد رسانی خواهد داشت.

منابع

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

۱. اندیلی، صفت الله و عباس رحیمی (۱۳۷۹)، شناسایی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری، سازوکارهای اجرایی و زمینه فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی کشور، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.

۲. ایرانشاهی، حسین (۱۳۸۰)، بررسی ضرورت تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و ارائه الگوی ساختاری اثر بخش و کارآمد برای آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی، کرمانشاه.

۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، بررسی بازار پول و سرمایه و اهمیت آن در توسعه مناطق روستایی کشور: تحلیل وضع موجود و تجربه سایر کشورها، معاونت امور زیربنایی، دفتر امور عمران شهری و روستایی، تهران.

۴. طالب، مهدی (۱۳۷۲)، اعتبارات روستایی در ایران: نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل، جهادسازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران.

5. Alamgir, Mohiuddin (1998), Contribution of Grameen Bank to gross domestic of Bangladesh : Preliminary *Estimates*, Dacca: Bangladesh Institute of Development Economics.

6. Bank Negare Malaysia, Annual Report, Various Years.

7. Central Bureau of Statistics (1996), Indonesia Economic Report, Bank Indonesia: Indonesian Financial Statistics.

8. Gomez, R. & E. Santor (2003), Do peer group members outperform individual borrowers? A test of peer group lending using Canadian microcredit data, Working Paper from Bank of Canada.

9. Iftekhar, Hossain and Javad Sakhawat (1996), Microfinance capacity assessment, Kuala Lumpur: Asian and Pacific Development Central.

10. Iftekhar, Hossain & Javad Sakhawat (2000), Beu Quinones and Stuart Rutherford, Helsingfors: Sevenska Handelshogskolan.

... چالشهای تأمین

11. Moseley , P. and D. Hulme (1996), Finance against poverty,

Routledge, london.

12. World Bank (1980-1996), World Development Report, Washington

D.C.: World Bank.

